پشت‌بوم

آقای همساده وژان‌ژاک روسو

حسین عبدالهاشم‌پور

● ۱- بعد از ۹۰، کلاه‌قرمزی به آبروی تلویزیون بدل شده، بنابراین باورکردنی نیست که در دوره تاریخی افول مخاطب، صداوسیما قدر این سرمایه بزرگ خود را نمی‌داند و نوبت پخش آن را هرازگاهی قرار می‌دهد! مثلا چرا کلاه‌قرمزی هفتگی پخش نمی‌شود؟! درحالی که بسیاری از برنامه‌های روزانه صداوسیما بدون جذابیت و کیفیت، روی آنتن می‌روند؛ برخی از این برنامه‌ها چنان «دق یامان»اند که اگر بیننده ایرانی را فلک هم کنید، حاضر نیست «وقت‌عزیز» خود را پای آن بگذارد. این گمانه که تلویزیون از بالارفتن ضریب نفوذ شخصیت‌های جذاب رسانه‌ای در میان جامعه می‌پرهیزد، زمزمه‌ای قدیمی است که از سوی برخی مخاطبان مطرح می‌شود؛ بنابراین طرح این پرسش که آیا تلویزیون می‌هراسد جیگر، فامیل‌دور یا ببعی... مثل برخی دیگر از چهره‌های تلویزیونی آنقدر اقبال عمومی یابند که از کنترل خارج شوند، چندان بیراه نیست؛ نمونه دیگرش همین مهران مدیری که شش‌سال از تلویزیون دور داشته شد... شمارش فهرستگان این چهره‌های حذف‌شده با شما، در روزگاری که رسانه ملی در به در مقبولیت ملی است. ۲- با وجود اینکه همیشه و در همه خاطراتش له‌له و داغون می‌شود همیشه می‌خندد؛ او «همساده» ایرانی است؛ شیرازی خوش‌خنده‌ای که به تراژیک‌ترین اتفاقات روزگار قاه‌قاه ریسه می‌رود؛ ایده‌ای بکر در شخصیت‌سازی؛ آقای همساده یا به قول خودش «آقوی همساده» معمولا نقل‌قول‌هایی از ژان‌ژاک روسو، فیلسوف سوئیسی - فرانسوی می‌کند که شاید مدیران تلویزیون را هم به خنده وا دارد؛ چرا نویسندگان «کلاه‌قرمزی» میان این همه فیلسوف، سراغ روسو رفته‌اند، باید خودشان پاسخ دهند، (شاید به جهت آهنگین‌بودن اسمش) اما جناب ژان‌ژاک روسو را «پدر افکارعمومی مدرن» می‌خوانند که اهمیتی خاص برای اراده مردم قائل است آن‌سان که می‌گوید: «افکارعمومی چنان قدرتی دارد که می‌تواند قانون وضع کند»؛ کافی است مدیران محترم رسانه ملی با عنایت به آقای همساده، به طنین افکارعمومی گوش بسپارند، آن زمان دیگر لازم نیست برای جمع‌آوری دیش‌ها راهی پشت‌بام‌ها شد.

خبر سازان

جنتی وضعیت اپرای سعدی را بررسی می‌کند

● وزیر ارشاد در مورد وضعیت اپرای سعدی بهروز غریب‌پور که مجوز آن از سوی مرکز موسیقی وزارت ارشاد صادر نشده است، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت آن را بررسی می‌کند. جنتی در حاشیه مراسم ولادت حضرت فاطمه‌زهرا(س) و بزرگداشت روز زن و مادر، در سالن سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به ایسنا در مورد وضعیت اجرای «اپرای سعدی» که موفق به دریافت مجوز نشده، درحالی‌که پیش‌ازاین و در دولت‌های گذشته مشکلی برای کار نبود، گفت: «از این موضوع بی‌اطلاعم، اما آن را بررسی می‌کنم».اپرای سعدی، تازه‌ترین کار بهروز غریب‌پور است که در مرحله پیش‌تولید با نظر مرکز موسیقی متوقف شده است. این اپرا از ابتدا تا امروز با افت‌وخیزهای زیادی روبه‌رو بوده است و بارها با کمبود بودجه مواجه شده است. این اپرا، که با آهنگ‌سازی بهزاد عبدی و خوانندگی محمد معتمدی، قرار بود روز سعدی در شیراز رونمایی شود؛ به بهانه تک‌خوانی زن متوقف است.

گونتر گراس، نویسنده مطرح آلمانی درگذشت

کوبیدن مرگ بر طبل گونتر گراس

گروه ادبیات: ادبیات جهان روز گذشته یکی دیگر از نویسندگان نوبلیست خود را از دست داد؛ گونتر گراس، نویسنده آلمانی، که در ایران نیز با آثاری که از او ترجمه شد نویسنده‌ای شناخته شده بود، روز گذشته در بیمارستانی در لوبک در شمال آلمان درگذشت. خدمت در کلیسا در کودکی، پیوستن به ارتش آلمان هیتلری در نوجوانی، پیوستن به گروه ۴۷ و تبدیل شدن به یکی از نویسندگان منتقد قدرت... اینها بخش‌هایی از زندگی پرماجرای نویسنده‌ای است از نسل نویسندگانی که پس از جنگ جهانی دوم در آلمان ظهور کردند و تأثیرات مهیب جنگی، که کشور خودشان یکی از بانیان آن بود، یکی از درون‌مایه‌های اصلی آثارشان شد. گونتر گراس، زاده ۱۶ اکتبر سال ۱۹۲۷ بود. در کودکی زندگی سخت و فقیرانه‌ای داشت و تحت‌تأثیر تربیت مادرش، که زنی کاتولیک بود، خدمت‌گزار کلیسا شد. در ۱۵سالگی زندگی سخت خانوادگی، او را به دامان ارتش هیتلری پرتاب کرد و در هفده‌سالگی او را به لشکر دهم توپخانه اس‌اس - فروندبرگ فراخواندند. اتفاقی که گراس آن را تا سال ۲۰۰۶ و انتشار کتاب خاطراتش با عنوان «در حال کندن پوست پیاز»، کتمان کرد. انتشار کندن پوست پیاز و فاش شدن اینکه نویسنده‌ای که یکی از منتقدان سرسخت نازیسم بود، خود زمانی همکاری با نازی‌ها را تجربه کرده، واکنش‌های تندی برانگیخت. البته گراس پیش از این اعتراف در محضر عمومی، یک‌بار در همان زمان که پس از مجروح‌شدن در ۲۰ آوریل ۱۹۴۵ در مارین‌باد دستگیر و به اسارت نیروهای آمریکایی درآمد، در بازجویی به این قضیه اعتراف کرده بود، اما تا وقتی خودش این موضوع را در خاطراتش نگفت چیزی از این ماجرا به بیرون درز نکرد. پس از دستگیری، یک‌سال در بازداشتگاه بود. پس از جنگ، ابتدا به سراغ پیکرتراشی رفت و در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ در دانشکده هنرهای تجسمی برلین تحصیل کرد. بعد از آن به پاریس رفت و مدتی مقیم پاریس بود. گرچه در آغاز سراغ نقاشی و مجسمه‌سازی رفته بود و در این عرصه هم دستی داشت، اما آنچه سبب شهرتش شد رمانی بود که در سال ۱۹۵۹ منتشر کرد؛ رمان «طبل حلبی» که هنوز هم یکی از مشهورترین آثار اوست. این رمان از زبان مردی به نام اسکار که در بیمارستانی روانی بستری است، روایت می‌شود. طبل حلبی داستان پسری است که تصمیم گرفته همواره سه‌ساله بماند. در سال ۱۹۷۹ کارگردان آلمانی، فولکر شلوندورف، فیلمی براساس این رمان ساخت که برنده نخل طلای فستیوال کن شد. گراس پس از جنگ به گروهی موسوم‌به گروه ۴۷ پیوست و نخستین نوشته‌هایش را در همین گروه خواند؛ گروهی که هاینریش بل، دیگر نویسنده سرشناس آلمان پس از جنگ، نیز از اعضای آن بود. این گروه متشکل از نویسندگانی بود که در آثارشان ادبیات با سیاست گره خورده بود؛ نویسندگانی که خود را در قبال آنچه در پیرامون‌شان می‌گذشت مسئول می‌دانستند. سیاست و تاریخ دغدغه‌هایی بودند که گونتر گراس تا پایان عمر از آنها دست نکشید. در آثارش همواره این دو عنصر با تخیلی بی‌حدومرز گره خورده‌اند؛ از جمله در رمان «کفچه ماهی» که تاریخ جهان یکی از درون‌مایه‌های آن است. گراس نویسنده‌ای بود که همواره علاوه‌بر ادبیات به مسائل سیاسی پیرامونش حساس بود و این حساسیت، تأثیر بی‌چون‌وچرایش را در آثارش گذاشت و شاید ازهمین‌رو بود که در سال۲۰۱۳، مجله سیسرو او را روشنفکر شماره یک آلمانی‌زبان معرفی کرد. او نوشتن را کافی نمی‌دانست و همیشه نسبت‌به وقایع سیاسی موضع داشت و از منتقدان قدرت بود. اظهار نظرهای سیاسی او گاه به شدت واکنش‌برانگیز بودند. در سال ۱۹۹۰، با اتحاد دو آلمان مخالفت کرد. در سال ۲۰۱۲، شعری منتشر کرد و در آن از اسرائیل به‌دلیل سیاست جنگ‌طلبانه‌اش در قبال ایران انتقاد کرد. او در این شعر «اسرائیل اتمی» را برای صلح جهانی خطرناک دانست. این شعر باعث شد اسرائیل او را عنصری نامطلوب بنامد. در سال ۱۹۹۹، جایزه نوبل ادبیات به گونتر گراس تعلق گرفت. از گراس در طول زندگی ۸۷ ساله‌اش، آثار بسیاری منتشر شد که از جمله آنها به‌جز طبل حلبی، می‌توان به «موش و گربه»، «سال‌های سگ»، «کفچه ماهی»، «قرن من» و «ماده موش» اشاره کرد. او نویسنده‌ای بود که تاریخ را از خلال تخیل روایت کرد؛ تاریخی که بیانگر وجوهی بود که تاریخ رسمی آنها را نادیده می‌گرفت.

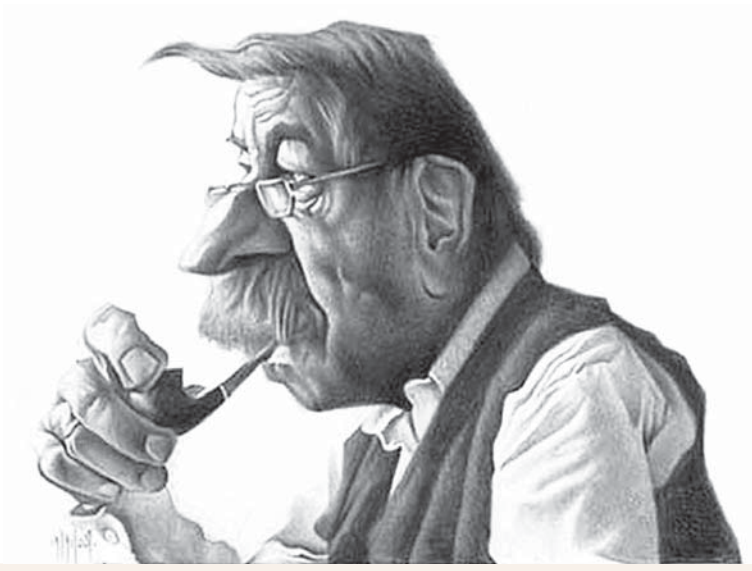

گراس در ایران

از گونتر گراس آثار بسیاری به فارسی ترجمه شده است. نخستین مترجمی که با ترجمه رمان «موش و گربه» در سال ۱۳۵۰ او را به مخاطب فارسی‌زبان معرفی کرد، کامران فانی بود. بعد از آن، آثار بسیاری از او به فارسی ترجمه و منتشر شدند. از جمله «طبل حلبی» که یک‌بار با ترجمه عبدالرحمان صدریه و بار دیگر با ترجمه سروش حبیبی منتشر شد و همچنین «قرن من» که هم با ترجمه کامران جمالی و هم با ترجمه روشنک داریوش منتشر شده است. «کفچه ماهی»، ترجمه عبدالرحمان صدریه، «در حال کندن پوست پیاز»، ترجمه جاهد جهانشاهی، «بی‌حسی موضعی» و «بر گام خرچنگ» هر دو با ترجمه حسن نقره‌چی، از دیگر آثار گراس است که به فارسی ترجمه شده.

وقتش رسید، طبل بزن اسکار

امیرجلالی: اگر خبر این باشد که گونترگراس، پیرمرد نویسنده، برنده نوبل ادبیات، ۸۷ساله، بستری در بیماستان لوبک حوالی ساعت ۱۰ صبح مرده است، پس لابد همین حالا است که اسکار با طبل حلبی‌اش گوش عالم را کر کند. این اتفاق جالبی است که در بسیاری از رسانه‌ها و سایت‌ها، بدون برنامه‌ریزی قبلی خیلی‌ها مرگ گونتر گراس را به شخصیت رمان «طبل حلبی» تسلیت می‌گویند. زمانی جورج استاینر، منتقد مشهور ادبی در وصف گونتر گراس گفته بود: «گراس نه یک نویسنده، که نام یک صنعت آلمانی است». کافی بود رمان تازه‌ای از گراس منتشر شود، آن‌وقت چند صد هزار نسخه ظرف چند روز به فروش می‌رسید. علاوه بر این، گراس هنرمندی چندوجهی بود. هم رمان و داستان کوتاه می‌نوشت، هم نمایشنامه، هم شعر. نقاشی هم می‌کرد. در موسیقی هم دستی داشت. ۱۹۲۷ که متولد شد اسم محل تولدش دانتزیگ بود. اما دانتزیگ جز در سه‌گانه «موش‌وگربه»، «طبل حلبی» و «سال‌های سگی» دیگر وجود خارجی ندارد. دانتزیگ را حالا به اسم گدانسک می‌شناسند. گونتر گراس در ۲۰۰۶ تعارف را کنار گذاشت و در رمان «کندن پوست پیاز» برای همه بازگو کرد که در ۱۹۴۴ به مسلسلچی‌های اس‌اس ملحق شده است. ترسی نداشت از اینکه تصورات آن روزگارش را برای همگان بازگو کند. ترسی نداشت از اینکه بنویسد: «اگر دو یا سه سال زودتر به دنیا آمده بودم، دستم به خون خیلی‌ها آلوده می‌شد». اما دیر به ارتش پیوسته بود و هیچ گلوله‌ای شلیک نکرده بود. می‌خواست معمار شود. بعد رفت سراغ نقاشی. از دوسلدورف که سر درآورد همراه با اینگبورگ باخمن، هاینریش بل و ورنر ریشتر گروه ۴۷ را تشکیل داد. می‌خواستند ادبیات بعد از جنگ آلمان را تکان بدهند و جنجال به پا کنند. همین کار را هم کردند. گونتر گراس تا آخر از پا ننشست. همیشه نابهنگام مداخله می‌کرد و جنجال راه می انداخت. ابایی نداشت از اینکه به هموطنانش یادآوری کند اکثر ملت آلمان با نازی‌ها همدلی می‌کرده‌اند. در ماجرای وحدت آلمان جزء مخالفان بود. می‌گفت وحدت دو آلمان سیاستی هیتلری است. از مدافعان آزادی بیان بود. در پرونده هسته‌ای ایران هم موضع‌گیری کرد و به انتقاد از سیاست‌های اسرائیل پرداخت. در رمان «قرن من» در فصلی که به سال ۱۹۶۷ اختصاص دارد، سفر شاه و فرح به آلمان غربی را هجو کرد. همان موقع هم در بین دانشجویانِ معترض بود. گونتر گراس عادت داشت لج هموطنانش را درآورد. هر کس آثارش را بخواند زود خلق‌وخوی او دستش می‌آید. «طبل حلبی» را که نوشته بود اکثر منتقدان مسخره‌اش می‌کردند. سناتورهای عصبانی در جایزه «برمن» دخل رمانش را آوردند. کار به همین جا ختم نشد. غرور عده‌ای را جریحه‌دار کرده بود. «طبل حلبی» را در دوسلدورف سوزاندند. ۱۹۹۹ - در سال پایانی قرن- نوبل گرفت. در بیانیه‌اش به این ماجراها به کنایه اشاره کرد و چنین نتیجه گرفت که نویسنده باید «برآشوبد». در همان جا بود که گفت عشق به میهن گاهی بدین معنا است که باید آشیان کسانی را روی سرشان خراب کرد. معتقد بود نویسنده نمی‌تواند محبوب‌القلوب باشد. نویسنده آماج خشم آدم‌ها است و خیلی وقت‌ها مایه نفرت است. زمانی در مصاحبه‌ای خطاب به پیر بوردیو گفته بود: «از سوراخ کلید تماشاکردن و به دنبالش فریادزدن. از عصر روشنگری همین‌ها برای من مانده است».

در پنجاه‌وششمین دوسالانه ونیز

«بازی بزرگ» ایران کلید می‌خورد

سحر آزاد: هفتمین حضور ایران در دوسالانه ونیز بازی بزرگی را در منطقه رقم خواهد زد؟ جواب این پرسش اگرچه کمتر از یک‌ماه دیگر مشخص خواهد شد اما مسئولان غرفه ایران در پنجاه‌وششمین دوسالانه بین‌المللی ونیز با بیان اینکه کشورمان بعد از ایتالیا، بزرگ‌ترین غرفه این رویداد را در اختیار دارد، از تلاش برای معرفی تأثیر هنر ایران در منطقه خبر دادند. صبح روز گذشته، ۲۴ فروردین، موزه هنرهای معاصر تهران میزبان خبرنگارانی بود که برای آگاهی از نحوه حضور ایران در شصت‌وپنجمین دوسالانه بین‌المللی ونیز آمده بودند. دوسالانه ونیز یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین دوسالانه‌های هنری جهان است و سهم ایران از حضور در این رویداد تابه‌حال شش دوره بوده که آخرین آن به سال ۱۳۹۰ برمی‌گردد. به‌گفته علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد، حضور ایران در ونیز در زمینه دیپلماسی فرهنگی بسیار مؤثر خواهد بود. به گفته او، تابه‌حال چهره‌های هنری در عرصه بین‌الملل درست معرفی نشده‌اند و دلیل آن عدم حضور کافی در مجامع بین‌المللی بوده است. او در مورد کم‌رنگ‌بودن حضور ایران در چنین اتفاق‌هایی عنوان کرد: «برای شرکت در این برنامه‌ها باید در جریان اتفاق‌های بین‌المللی باشیم که الان مرکز هنرهای تجسمی درحال ارتباط با نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلف است. دومین مسئله، تمهید امکانات و تأمین بودجه و موضوع دیگر آگاهی خود رسانه‌ها از این برنامه‌هاست. یکی از مهم‌ترین مسائل نیز سیاست دولت است که در دولت یازدهم سیاست برمبنای دیپلماسی فرهنگ است. براین‌اساس باید بتوانیم ارتباطات خود را با جریان‌های فکری و هنری بیشتر کنیم.»مجید ملانوروزی، مدیر امور هنرهای تجسمی وزارت ارشاد، در ادامه با اشاره به اهمیت دوسالانه ونیز گفت: «با ۱۰ دوسالانه مهم دنیا ارتباط برقرار کرده‌ایم ولی با توجه به بحث مالی، خواستار کمک گالری‌ها و بنیادهای خصوصی شدیم تا شاهد حضور حمایت‌های مردمی‌تر باشیم. امسال بنیاد فیض‌نیا از ما تقاضای کمک برای حضور در دوسالانه ونیز کرد و پس از آن قرار شد با هم کار کنیم که به این ترتیب فضای صدمتری ما به دو هزارمتر تبدیل شد. موضوعی هم که این بنیاد با آن در دوسالانه شرکت می‌کند، مناسبات فرهنگی منطقه و نقش ایران در منطقه است. امسال سال دیپلماسی فرهنگی است و به اندازه ۳۰ سال گذشته حرف و قرارداد داریم.»او همچنین از نمایش آثار هنرمندانی همچون محمد احصایی، جمشید بایرامی، سمیرا علیخانزاده و محمود بخشی با آثاری در زمینه خط، عکس، حجم و... خبر داد و ابراز کرد که این غرفه برای دوسالانه معماری در سال آینده حفظ می‌شود. پس از آن مارک منگوترزو، کیوریتور (نمایشگاه‌گردان) غرفه ایران در دوسالانه ونیز، به اهمیت حضور ایران در این رویداد اشاره کرد: «بار اول نیست که ایران در این دوسالانه شرکت می‌کند اما بار اولی است که ایران با این قدرت از نظر بزرگی غرفه و گستردگی پروژه‌ای که دارد، در ونیز شرکت کرده است. با توجه به اینکه در دوره‌های اخیر، چشم‌ها به ایران است، در این دوره باید توجه کنیم نه‌تنها شرکت در ونیز به معرفی هنر ایران اختصاص دارد، بلکه از این طریق، ایران می‌تواند خودش را به‌مثابه یک جامعه بشناساند و الان همه در مورد ایران کنجکاو هستند.» این کیوریتور ایتالیایی ادامه داد: «پروژه ایران در دوسالانه ونیز دارای دو بخش است؛ بخش اول به ایرانیان برجسته یا Iranian highlights برمی‌گردد و بخش دوم بازی بزرگ The great game نام دارد که شامل نمایش مجموعه‌ای از هنرمندان ایرانی و خارجی است که باید آثارشان مطرح شود.»او در توضیح بخش بازی بزرگ عنوان کرد: «این بخش برگرفته از یک واژه ژئوپلیتیک است که در سال ۱۸۰۰ به‌دنبال مناقشات روسیه و انگلستان مطرح شد و آنچه در نتیجه آن تحت‌تأثیر قرار داشت، منطقه‌ای بود که ایران در آن قرار داشت. ما از این قضیه تاریخی الهام گرفتیم چون منطقه‌ای که ایران در آن قرار گرفته، منطقه تقابل است و ما می‌خواهیم این تقابل را در هنر نشان دهیم. قدرت یک فرهنگ در این است که مدلی برای فرهنگ‌های دیگر باشد و برهمین‌اساس اگرچه بیشتر هنرمندان شرکت‌کننده در غرفه ایران، ایرانی هستند، اما برخی از آنها غیرایرانی هستند تا با این کار نشان دهیم فرهنگ ایران، عاملی ضروری برای کشورهای همسایه و فرهنگ‌هایشان است.»او همچنین در پاسخ به سؤال «شرق» در مورد بخش رقابتی دوسالانه گفت: «نمایشگاه یک بخش اصلی دارد که برگزیدگان از سوی کیوریتور اصلی انتخاب می‌شوند. شیر اصلی نیز در ۹۹ درصد اوقات توسط کیوریتور نمایشگاه اصلی انتخاب می‌شود و ربطی به بخش ملی ندارد هرچند بخش ملی هم مدنظر است.»مزدک فیض‌نیا، کیوریتور و یکی از حامیان مالی غرفه ایران نیز گفت غرفه ایران بعد از غرفه ایتالیا بزرگ‌ترین غرفه دوسالانه ونیز است و علاوه‌بر گالری‌های ایرانی، از گالری‌های خارجی نیز دعوت شده است تا در یک دیالوگ بین‌المللی، هنر ایران نشان داده شود. مهرداد زواره‌محمدی، مدیر بخش معماری غرفه ایران هم دیگر سخنران این نشست بود. او با بیان اینکه سال‌های فرد به دوسالانه‌های هنری و سال‌های زوج به دوسالانه معماری اختصاص دارد، در مورد ضرورت حضور بخش معماری در این دوره دوسالانه که در زمینه هنر برگزار می‌شود، اظهار کرد: «حضور معماری در این دوره دوسالانه، مقدمه‌ای برای برنامه چشمگیری است که در دوسالانه معماری سال آینده ونیز اتفاق خواهد افتاد. باتوجه‌به زمان کوتاهی که داشتیم، از طریق فراخوان ۲۲۵ پروژه فرستاده شد و ۶۵ پروژه واجد شرایط، امکان حضور در دوسالانه را پیدا کردند». پنجاه‌وششمین دوسالانه ونیز، اردیبهشت سال جاری برگزار می‌شود که به گزارش «شرق» در بخش «بازی بزرگ»، هنرمندانی همچون لیدا عبدل، بانی عابدی، عادل عابدین، امین آقایی، قدرت‌الله عاقلی، شهریار احمدی، پرستو آهوان، فرهاد احرارنیا، فرات الجمیل، رشاد الاکبرف، نازگل انصاری‌نیا، رضا آرامش، علیرضا آستانه، سونیا بالاسانیان، محمود بخشی‌موخر، وفا بلال، مهدی فرهادیان، عاطفه سماعی، شادی قدیریان، شیلپا گوپتا، قاسم حاجی‌زاده، شمسیا حسنی، سهند حسامیان، سیتارا ابراهیمفا، پوران جینچی، عمار کانور، بابک کاظمی، ریاص کمو، فریده لاشایی، احمد مرشدلو، مهرداد محب‌علی، هوما مولجی، آزاد ناناکلی، جمال پنجونی، عمران قرشی، سارا رهبر، رشید رعنا، منیر شاهرودی‌فرمانفرماییان، ت. و. سانتوس، والد سیتی، محسن تاشاواحدی، میترا تبریزیان، پرویز تناولی، نیوشا توکلیان، صادق تیرافکن، هما اوپادهیای و سایرا وسیم حضور دارند.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره: ۹۳/۷۲۳ نوبت اول

موضوع: تعمیر و نگهداری کلیه وسایط نقلیه سبک، سنگین، ماشین آلات و تجهیزات راهبری جایگاه های سوخت

نام و نشانی مناقصه گزار	استان بوشهر – عسلویه – منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس – شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دوم – ساختمان ستاد – امور پیمانها
آخرین مهلت اعلام آمادگی و تسلیم رزومه متقاضیان شرکت در مناقصه	۹۴/۰۲/۹
مهلت تحویل اسناد مناقصه به شرکت های واجد صلاحیت	۹۴/۰۲/۲۱
مهلت تحویل پیشنهادات مالی توسط مناقصه گران	۹۴/۰۳/۰۲
تاریخ بازگشایی پیشنهادات مالی	۹۴/۰۳/۰۳
نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، به مبلغ ۱۲۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی و یا واریز نقدی به شماره حساب سیبا ۰۱۰۶۲۴۰۶۲۴۰۰۶ بانک ملی ایران شعبه عسلویه به نام شرکت محتمع گاز پارس جنوبی و ارائه فیش واریزی نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت مجتمع به آدرس WWW.SPGC.IR مراجعه فرمائید.

یادداشت

گونتر گراس و آثارش

نویسنده تاریخِ فاشیسم

حسن نقره‌چی*

● گونتر گراس در میان نویسندگان معاصر تفاوت چشمگیری داشت. او نویسنده-روشنفکری بود که در تمام آثارش به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌اش پرداخت و البته در مورد مسائل مختلف جهانِ پیرامون‌اش هم اظهارنظر می‌کرد. در میان روشنفکران معاصر نیز تفاوت مهمی با دیگران داشت. او از معدود روشنفکرانی بود که علیه اسرائیل و مواضع‌اش به‌خصوص شهرک‌سازی در مناطق اشغالی موضع گرفت و نوشت. آن‌هم در دورانی که اروپا به‌دلیل سابقه‌ای که در مواجهه با یهودیان داشت، در برابر اسرائیل و مواضع‌اش دست‌به‌عصا راه می‌رفت. این‌دست موضع‌گیری‌ها بود که نشان داد گونتر گراس نویسنده‌ای مستقل است و با نظام حاکم چندان کاری ندارد.

گونتر گراس در کل نویسنده‌ای سیاسی-اجتماعی است که فارغ از همسویی‌داشتن یا نداشتن با تفکراتش، نویسنده-روشنفکر بود و همواره دغدغه مردم داشت. به‌خاطر خوشایند رژیم یا سیستمی نمی‌نوشت و نویسنده‌ای نبود که تنها به جنبه‌های ادبی آثارش فکر کند. ازاین‌رو جدا از موضع‌گیری‌ها و اظهارنظرهایش، در تمام آثارش مسائل سیاسی و اجتماعی جهان و به‌ویژه کشورش آلمان را تجزیه و تحلیل می‌کند. حتی یک‌بار در یکی از موضع‌گیری‌هایش علیه آلمان‌شرقی، شخصیت مطرحی چون برشت را مورد انتقاد قرار می‌دهد به این دلیل که برشت بعد از جنگ جهانی دوم در آلمان‌شرقی بود اما از جنبش کارگران علیه حکومت وقت دفاع نکرده بود. گرچه او البته سوسیال- دموکرات بود و مواضع سیاسی‌اش با چپ‌ها تفاوت‌هایی داشت. البته این اواخر مسئله‌ای درباره گونتر گراس مطرح شد که کمی وجهه و محبوبیت او را در آلمان مخدوش کرد؛ سندی پیدا شده بود که نشان می‌داد خودِ گونتر گراس هم در دوران اوج نازیسم عضو گشتاپو بوده است. گرچه مواضع او درباره فاشیسم و دوران نازیسم در تمام آثارش روشن و صریح است، اما کتاب‌هایی که از گونتر گراس ترجمه کرده‌ام، «برگام خرچنگ»، «بی‌حسی موضعی» و «سال‌های سگ»، هرسه حال‌وهوایی مشابه دارند.

گونتر گراس در این رمان‌ها مسائل سیاسی و اجتماعی برهه‌های مهم تاریخِ آلمان را روایت می‌کند. به‌ویژه رمان «سال‌های سگ» -که اولین رمان او در این فضا هم است- این مسائل را بیشتر می‌شکافد. اینکه چطور خرافات حاکم بر جامعه موجب می‌شود بسیاری از جوانانِ آلمان به فاشیسم روی بیاورند و با عاملان آن همکاری کنند.

این کتاب از این منظر هم برای مخاطب ایرانی بسیار جالب است که در جوامع اروپا خرافات تا حدی وجود داشته است که به فاشیسم منجر می‌شود. گونتر گراس در این رمان‌ها تاریخ معاصر آلمان را بررسی می‌کند.«سال‌های سگ» سه برهه از تاریخ معاصر آلمان را بررسی می‌کند؛ دوران قبل از روی‌کارآمدن فاشیسم، دوران فاشیسم و حوادثی که در این دوره اتفاق می‌افتد و به طرزی گنگ هم به اردوگاه‌ها می‌پردازد. و بعد دوران فروپاشیِ فاشیسم و سوءاستفاده‌های بعد از آن، روایت آدَم‌هایی که حالا در دورانی که ورق برگشته است قصد دارند خود را تطهیر کنند و بی‌تقصیر نشان دهند.

در میان کارهای گونتر گراس این سه رمان به این خاطر مهم هستند و من برای ترجمه انتخاب‌شان کردم که مسائل دوران مختلفی از تاریخ آلمان را بررسی و حلاجی می‌کنند و به تعصباتی که به فاشیسم منجر شد یا در دوران فاشیسم شکل گرفت، می‌پردازد.

مخاطب با خواندن این رمان‌ها جدا از فضای آلمان در دورانِ مهمی از تاریخ معاصرش، با چگونگی عملکَرد فاشیسم و سرکوب در این سیستم آشنا می‌شود. و به‌روشنی چنین فضایی را در قالب تاریخ آلمان درک و تصویر می‌کند. از این‌رو است که گونتر گراس نویسنده‌ای سیاسی شناخته شده است و وجهه اجتماعی-سیاسی آثارش بسیار برجسته است.

*مترجم آثار گونتر گراس